آمریکا در اندیشه اعمال فشار بیشتر بر ایران

حسینی، سید مهدی

کاهش بهای نفت در فصل اوج نشان از آن دارد آمریکا در اندیشه اعمال فشار بیشتر بر ایران

سید مهدی حسینی‏

میزگرد کارشناسان روند اقتصادی درباره دلایل کاهش بهای نفت‏ در تلاقی سیاست و نفت

در گیرودار نوسان قیمت نفت،صندوق بین‏المللی پول پیش‏بینی کرد بهای نفت در سال 2007 بین 55 تا 60 دلار خواهد بود.اما در یک‏ ارزیابی مجدد این نهاد پولی-مالی بین‏المللی در پیش‏بینی خود تجدید نظر کرد و قیمت نفت را 50 تا 55 دلار تخمین زد.گر چه رقم‏ تجدید نظر شده تفاوت اندکی با برآورد نخستین دارد،ولی یکی از دلایل این تجدید نظر کاهش تولید نفت اوپک و ایجاد ظرفیت خالی‏ اضافی عربستان بود که کاهش قیمت نفت را در پی داشت.در همین حال زمانی که اوپک نگرانی خود را از کاهش قیمت نفت اعلام و تشکیل اجلاس فوق‏العاده را پیشنهاد کرد،عربستان سعودی به مخالفت با این پیشنهاد برخاست و النعیمی وزیر نفت این کشور در یک‏ اظهار نظر صریح اعلام کرد"این تصمیم عملی نیست و تا ماه مارس اجلاس فوق‏العاده نخواهیم داشت."

می‏دانیم که افزایش بهای نفت معمولا در زمستان رخ می‏دهد و با آغاز بهار قیمت‏ها رو به کاهش می‏گذارد،از همین‏رو تاریخ مورد نظر نعمیمی در واقع زمان طبیعی کاهش قیمت نفت است.

این نوع رخدادها و موضع‏گیری‏ها بار دیگر اهمیت توجه بر نقاط تلاقی نفت و سیاست را به ما گوشزد می‏کند.اهمیت این توجه به ویژه‏ با توجه به اوضاع منطقه و نیز مسائل ایران و عراق دو چندان است.دقت در تحلیل توماس فدمن درباره موقعیت کنونی بازار نفت و سیاست‏های غرب و آمریکا به روشن شدن موقعیت کمک می‏کند.او می‏نویسد:"با افزایش قیمت نفت کشورهای نفت خیز سرکشی پیشه‏ کرده‏اند.راه چاره این است که اولا نظم را در بخش عرضه و تقاضا برقرار کنیم و ثانیا برای ورود روسیه به میدان بکوشیم.همزمان،با روی‏ آوردن به مجموعه‏ای از انرژی‏های غیر فسیلی،در جهت متعادل کردن و پایین آوردن بهای نفت حرکت کنیم.با پایین آمدن قیمت نفت، درآمد این کشورها کاهش می‏یابد و بر اثر آن از قدرت مانور سیاسی آن‏ها کاسته می‏شود."چنان که پیداست برای تحقق آنچه فدمن توصیه‏ می‏کند تحرک‏هایی هم آغاز شده است.تردید نیست که آمریکا در تلاش برای کاهش درآمد ایران از رهگذر صادرات نفت است.بیشترین‏ تلاش نیز در ارتباط با سه کشور ژاپن،چین و هند،که خریداران سنتی نفت ایران هستند،صورت می‏گیرد.سفرهایی که چندی پیش مقامات‏ عربستان سعودی به چین و پاکستان و هند انجام دادند،از جمله تلاش‏ها برای جلب توجه این خریداران نفت ایران به سوی کشورهای‏ حاشیه جنوبی خلیج فارس بود.

در نشست این ماه روند اقتصادی کارشناسان ماهنامه به تجزیه و تحلیل دلایل کاهش قیمت نفت و اثر گذاری آن بر اقتصاد ایران پرداخته‏اند.

چند عامل بر قیمت نفت اثر گذارند؛از جمله:عوامل‏ بازار،عرضه و تقاضا،رشد اقتصاد جهانی و دخالت‏هایی که در بازار انجام می‏شود.آثار سیاسی و روانی این عوامل،بسته به رخدادهای منطقه‏ای و جهانی، همچون جنگ،نگرانی از قطع عرضه یا حتی تغییرات‏ فصلی،همگی بر بازار و نوسانات قیمت اثر گذارند.

اما جدای از این عوامل،آنچه بر نگرانی‏های کنونی‏ می‏افزاید کاهش قیمت نفت در زمانی است که قیمت‏ها باید در اوج باشند.قیمت نفت معمولا در دو فصل در اوج قرار می‏گیرد:فصل زمستان،یعنی اوج سرما و فصل‏ تابستان و آغاز مسافرت‏ها.

آغاز می‏شود و این امر دو ماه ادامه می‏یابد.در تابستان‏ نیز در دو ماه آگوست و سپتامبر شاهد بالاترین قیمت‏های نفت هستیم.در حالی که امسال عکس این‏ امر اتفاق افتاده است و در ماه‏های اوج،کاهش قیمت‏ نفت را شاهدیم.

این روند،عادی نیست و دخالت در بازار نقش اصلی آنچه بر نگرانی‏های‏ کنونی می‏افزاید کاهش قیمت نفت در زمانی است که قیمت‏ها باید در اوج باشند البته نباید از یاد برد که قیمت‏های پایین‏ نفت در نهایت به زبان‏ آمریکایی‏هاست و از همین‏رو رفتار آنان‏ چندان شفاف نیست‏ را در کاهش قیمت نفت ایفاء می‏کند.همین امر نیز موجب‏ نگرانی است.

در چنین فضایی آنچه به لحاظ اقتصادی بیش از همه‏ موجب نگرانی است دخالت در بازار به طور مصنوعی‏ است،است،وگرنه به دلیل بنیان‏های نظری،دلیلی برای کاهش‏ قیمت‏ها وجود ندارد.البته نمی‏توان سهم فضای روانی‏ را در افزایش و کاهش قیمت‏ها از یابد برد،اما به هر روی‏ نباید با افزون شدن تقاضا قیمت‏ها کاهش یابند؛به ویژه‏ که ظرفیت سازی‏ها نیز انجام نشده است.من به هیچ‏ روی بر این اعتقاد نیستم که ظرفیت‏های مازاد قابل‏ توجهی وجود دارد.دست کم درباره ایران این موضوع‏ روشن است.با وجود تلاش‏ها و سرمایه‏گذاری‏هایی‏ که در سال‏های اخیر در زمینه افزایش ظرفیت در کشور صورت گرفته،ولی این ظرفیت هنوز از سطح 4 میلیون‏ بشکه فراتر نرفته است.درباره عربستان نیز سال‏هاست‏ که از ظرفیت حدود 10 میلیون بشکه سخن به میان‏ می‏آید،و واقعیت موجودنیز چندان فراتر از این عدد نیست.

زمانی که قیمت نفت در سطح 60،70 دلار در هر بشکه‏ باشد،تولید کنندگان نفت هر چقدر بتوانند پمپ می‏کنند. یعنی تولید و روانه بازار می‏کنند.هر تولید کننده‏ای که‏ واقعیت ظرفیت تولیدها را انکار کند واقعیت را نمی‏گوید،در عین حال که باید مطمئن بود که هیچ‏ عرضه کننده‏ای به خاطر دیگران دست به فداکاری‏ نمی‏زند.بنابراین ظرفیت تولید جهانی همین‏ رقم‏هاست که اعلام می‏شود.البته روس‏ها ظرفیت‏ تولید خود را به صورت شگفت‏انگیزی افزایش داده‏اند آن‏ها حدود 40 میلیلرد بشکه است،روزانه 9 میلیون بشکه‏ تولید می‏کنند.چنین ظرفیتی به سرعت افت خواهد کرد.به همین دلیل نمی‏توان رفتار روس‏ها را منطبق با ضوابط واقعی دانست،و انتظار داشت که آن کشور قیمت‏ شکن باشد و جای دیگران را پر کند.به هر روی روس‏ها با حداکثر توان خود در حال تولید و فعالیتند.

این بحث درباره عربستان سعودی هم صادق است و این کشور تنها قادر است به طور متوسط یک میلیون بشکه‏ تولید نفت را کم و یا زیاد کند،و نه بیشتر.تولید در عراق‏ نیز به پیش‏بینی 3 تا 5/3 میلیون بشکه در روز نرسیده‏ است.از سوی دیگر شاهدیم که بر میزان رشد اقتصادی‏ جهان نیز افزوده گشته است.جهان در یک دوره طولانی‏ شاهد رشدهای 2 تا 5/2 درصدی بود،ولی در این سال‏ها رشدی‏های 5/3 تا 5/4 درصد را تجربه می‏کند.از سوی‏ دیگر استانداردهای جهانی زندگی،به خصوص در کشورهایی مانند چین و هند که مصرف فزاینده‏ای‏ دارند،ارتقاء یافته است.در نتیجه افزایش مصرف در این‏ کشورها کاملا محسوس است.بی دلیل نیست که‏ چینی‏ها به تدریج اتومبیل را جایگزین دوچرخه می‏کنند. در کشورهای تازه استقلال یافته و اروپای شرقی نیز همین روند در حال رخ دادن است.

به یاد دارم در دوره آخر گورباچف در کنگره جهانی‏ نفت در مسکو شرکت کردم.آن زمان باید مدتی در خیابان‏های مسکو در انتظار می‏ماندیم تا خودرویی عبور کند،ولی امروزه آنجا ترافیک کشنده شده است.در واقع رشد سطح زندگی و رشد اقتصادی به معنی‏ تقاضای بیشتر برای انرژی نیز هست.به این ترتیب‏ می‏توان گفت که ظرفیت‏های تولید همپای تقاضا افزایش نیافته است و همین امر سبب وارد آمدن فشار بر قیمت می‏شود.

در عین حال،و همچنان که گفته شد،سهم عامل روانی‏ نیز قابل توجه است.به اعتقاد من این سهم افزایش نیز خواهد یافت؛چرا که قرار نیست تنش‏ها در منطقه ما و در آمریکای جنوبی به زودی حل شوند،به قاعده ملاحظه‏ قیمت خواهند شد.البته کاهش قیمت به خاطر تغییر فصل‏ نیز امری معمول است.دخالت‏ها در بازار هم در نهایت‏ به صورت تهدید به آزاد کردن ذخایر بر قیمت‏ها فشار می‏آورد.آمریکایی‏ها تا به حال از تهدید استفاده از ذخایر بسیار بهره برده‏اند.آن‏ها درباره استفاده از چند میلیون‏ ذخایر خود سخن می‏گویند و همین تهدید،کاهش‏ روانی قیمت‏ها را در پی دارد.

البته نباید از یاد برد که قیمت‏های پایین نفت در نهایت‏ به زبان آمریکایی‏هاست و از همین‏رو رفتار آنان چندان‏ شفاف نیست.در واقع آنچه در بلند مدت برای‏ شرکت‏های بزرگ نفتی آمریکا اهمیت دارد امنیت بیشتر تولید و عرضه است و نه قیمت.این امر نیز در قیمت‏های‏ بالا تحقق می‏یابد و نه در قیمت‏های پایین.چون در این‏ صورت است که سرمایه‏گذاری شرکت‏ها در اقصی نقاط دنیا،و نیز در خود ایالات متحده،مقرون به‏ صرفه می‏شود.آمریکا هم اکنون بیش از 600 هزار حلقه‏ چاه نفت دارد،در حالی که تعداد حلقه‏های چاه نفت در ایران افزون بر هزار نیست.در مقابل،میزان برداشت از چاه‏های آمریکا به طور متوسط 10 بشکه در روز است، حال آنکه بهره‏دهی چاه‏های ایران،امروزه و با وجود کاهش،3 هزار تا 4 هزار بشکه در روز است.بدین ترتیب‏ می‏توان به تفاوت پی برد و دریافت بهره برداری از چاه‏های 10 بشکه‏ای هنگامی مقرون به صرفه خواهد شد که قیمت نفت بالا باشد.با افزایش قیمت نفت هم تولید داخلی ایالات متحده افزایش می‏یابد و هم این کشور نسبت به تولید و عرضه احساس امنیت خواهد کرد. بر همین اساس معتقدم که آمریکا در بلند مدت خواستار قیمت‏های بالا خواهد بود.

آنچه گفته شد از این منظر بود که در بازار نفت‏ دخالت صورت نمی‏گرفت،قیمت‏ها دست کم تنزل‏ نمی‏کرد.نگرانی کنونی نیز ناشی از این احتمال است که‏ آمریکا با دخالت در بازار،قیمت‏ها را کاهش می‏دهد تا با کاستن از توان درآمدی،ایران را دچار مشکل کند.